

## تحقیق درباره کتاب کافی

محمد واعظ زاده خراسانی

### معروفترین جامع حدیث پیش از کافی

طبقه حسین بن سعید و برادرش حسن

وی جزء یاران و اصحاب حضرت رضا (ع) و حضرت جواد (ع) (۱) و بنا بگفته شیخ طوسی حضرت هادی علیه السلام بوده و بنا بر این با صفوان و ابن ابی عمیر و بز نظی و دیگر محدثین طبقه که غالباً میان سالهای ۲۱۰ تا ۲۳۰ وفات کرده اند در يك طبقه بوده است منتهی نظر باینکه بنا بنقل جامع الرواة (۲) وی گاهی از صفوان حدیث نقل میکند و بگفته نجاشی از زرعه و فضاله بتوسط برادرش نقل میکرده باید اندکی متأخر از صفوان و همدیفان وی باشد و باصطلاح از صفار طبقه شش بوده در حالیکه صفوان و محمد بن ابی عمیر از کبار این طبقه محسوب میشده اند حال اگر گفته شیخ باینکه وی امام هادی (ع) را درك کرده درست باشد باید وفات وی پس از سال ۲۲۰ سنه وفات امام جواد (ع) و نخستین سال امامت حضرت هادی (ع) اتفاق افتاده باشد و اگر هم آنحضرت را درك کرده لابد چندان زمانش بطول نیا نجامیده که موجب اشتها وی گردد و گرنه غیر از شیخ طوسی دیگر انهم یاد آوری میگردند بلکه حتی از تعبیر ابن ندیم درباره آن دو (من اصحاب الرضا) (ع) ... و صحبا ایضا با جعفر (ع) میتوان فهمید که آنچه مسلم و مشهور بوده اینست که این دو برادر از اصحاب و تلامیذ حضرت رضا (ع) بوده اند و نسبت بحضرت جواد (ع) مصاحبتی داشته اند و او یان وی از قبیل احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد بن خالد برقی و ابراهیم بن هاشم نیز همه جزء طبقه ۷ بوده اند و غالباً وفیات آنان در سالهای میان ۲۶۰ و ۲۸۰ و اندکی پس و پیش اتفاق افتاده است و روایت وی از حضرت جواد (ع) در اصول کافی ( باب اطلاق القول بانه تعالی شیء ) موجود است پس میتوانیم حدس بز نیم یا یقین پیدا

۱ - فهرست طوسی ص ۵۸ و فهرست ابن ندیم ص ۳۱۰ و خلاصه ص ۲۵

۲ - ج ۱ ص ۲۴۱

کنیم که میان سالهای ۲۲۰ و ۲۳۰ هجری حسین در گذشته و گویا برادرش حسن قبل از وی در اهواز وفات کرده است و از نام حسن و حسین وساطت حسن میان حسین و بعضی از راویان میتوان حدس زد که حسن برادر بزرگتر و حسین برادر کوچکتر بوده است .

تنها چیزیکه باعث میشود بر اینکه وفات حسین بن سعید را پس از تاریخ فوت و او را جزء طبقه بعد بدانیم اینکه ابوالعباس احمد بن علی بن نوح سیرافی استاد و شیخ اجازه نجاشی در پاسخ نامه ای که نجاشی بوی نوشته و طی آن طرق و اسنادو کتابهای حسین بن سعید اهوازی را از وی خواسته است پنج طریق تعیین کرده که یکی از آنها اینست و ابو محمد حسن بن حمزه علوی طبری ( متوفی ۳۵۸ ) بمن نوشت که ابوالعباس احمد بن محمد الدینوری در سال ۳۰۰ هجری هنگامیکه از زیارت قبر امام رضا (ع) بر میگشت در ایام جعفر بن الحسن در شهر آمل از بلاد طبرستان تمام مصنفات حسین بن سعید را که از خودش شنیده بود برای من « حسن بن حمزه » روایت کرد ، (۱)

بنا بر این گفتار احمد بن محمد دینوری که در تاریخ ۳۰۰ هجری حیات داشته و حسین بن سعید را درک کرده و از او حدیث شنیده و اگر حسین بن سعید چنانکه گفته شد میان سالهای ۲۲۰ و ۲۳۰ وفات کرده باشد باید دینوری بیش از هفتاد سال پس از شنیدن حدیث از وی که قهرا در حال سماع حدیث نیز دست کم بیست ساله بوده است حیات داشته باشد و گرچه این مقدار فاصله از میان دوراوی محال نیست و بندرت نظیر هم دارد اما مستعد است و بهمین جهت احمد بن علی بن نوح سیدانی پس از این نقل گفته است این طریق غریب است و سندی جز آنچه گفته شد در بین نیست و آنچه مخصوص این نسخه باشد نباید بسایر نسخه ها خلط شود .

حال چنانچه وفات حسین بن سعید مؤخر باشد این استبعاد مرتفع میشود .

### کتاب ثلاثین یا جامع حسین بن سعید

بنا بر آنچه در گذشته گفتیم که نویسندگان جوامع اولیه حدیث و اولین کسانی که در شیعه بتالیف جامع دست زدند از اصحاب حضرت رضا (ع) بوده اند باید حسین بن سعید را در ردیف این اشخاص شمرده منتهی نظر باینکه وی از صفار این طبقه بوده ممکن است تألیف خود را پس از دیگران شروع و از آثار آنان استفاده کرده باشد .

نکته قابل توجه اینست که بنا بر گفته نجاشی و علامه (۱) حسین این کتاب را با شرکت برادرش حسن نوشته است ولی با اسم وی مشهور گردیده از عبارت ابو عمرو و کشی که در باره این دو برادر گفته ( و صنا الکتب الکثیرة ) ( ۲ ) نیز شرکت آندو در تالیف این کتب استفاده میشود زیرا ظاهراً مراد از (الکتب الکثیرة) کتب معهود است . ولی از سخن شیخ طوسی این امر بدست نمیآید بلکه ظاهر کلام وی این است که این کتب تصنیف حسین است قبلاً در ترجمه حسن گفته است « سند کر کتب اخیه از ذکر ناه » ولی نباید تردید کرد که گفته نجاشی مقدم است زیرا بصیرت و بینائی وی در این فن از شیخ طوسی بیشتر است و علماء در موارد اختلاف قول وی را مقدم میدارند و نظر باینکه نجاشی کتاب خود را بعد از فهرست شیخ نوشته در تعبیرات خود بدون اینکه تصریح نماید باشتباه شیخ طوسی نظر داشته بگمانم اینکه میگوید « شارك اخاه الحسن فی الکتب الثلاثین المصنفة وانما کثر اشتهار الحسین اخیه بها » تعریض بسخن شیخ طوسی است این مطلب باممارست در کتاب این دو مرد بزرگ که معاصر هم و هر دو شاگردان مفید ، وسید مرتضی علم الهدی بوده اند معلوم میشود و گرنه دلیلی دیگر نمیتوان بر آن اقامه نمود .

شرکت در تصنیف در آن اعصار مخصوصاً میان اصحاب ائمه که با یکدیگر الفت داشته و بیرکت ولایت اهل بیت صداقت و رفاقت کامل میان آنان بر قرار بوده سابقه دارد مثلاً جمیل بن دراج محدث و فقیه معروف معاصر امام صادق و امام کاظم علیهما السلام کتابی باشتراك محمد بن حمران و کتاب دیگری با شرکت ملازم بن حکیم نوشت (۳) و نیز علی و محمد پسران ریان بن الصلت اهوازی بکمک یکدیگر کتابی نوشتند (۴) این کتب که بنام کتب حسین بن سعید یا کتب بنی سعید یا الکتب الثلاثین المصنفة یاد میشوند عبارت است از کتب فقهی طهارت تادیات و پاره ای کتب غیر فقهی بوده و نجاشی (۵) و شیخ طوسی (۶) با تفاوت

۱ - رجال نجاشی ص ۴۶ خلاصه ص ۲۰

۲ - رجال کشی ص ۳۴۲

۳ - رجال نجاشی ص ۹۸

۴ - فهرست طوسی ص ۹۰

۵ - رجال نجاشی ص ۴۶

۶ - فهرست ص ۵۸

در چند نام (۱) آنها را فهرست نموده اند و هر دو نفر تصریح کرده اند باینکه وی سی کتاب داشته است در اینکه کتب معروف و مورد اعتبار و اعتماد بوده سخنی نیست نجاشی میگوید: «کتب بنی سعید کتب حسنة معمول علیها و بهمین جهت را ویان و طرق این کتب بسیار بوده مثلا نجاشی گفته است. **واخبرنا بنی سعید کتب غیر واحد من اصحابنا من طرق مختلفة كثيرة**. آنگاه از قول شیخ خود ابی العباس سیرافی پنج طریق نقل میکند مطلبیکه بنظر ما رسیده و گویا کسی به آن توجه ننموده این است که این کتابها میزان و مقیاس سحت و سقم حدیث و مورد اتباع و تقلید نویسندگان و تا عصر کلینی بوده و فهرست نویسان کتابهای زیادی را به آن تشبیه مینمایند و بعضی از مؤلفین عین همان کتابها را با اندکی کم و زیاد در عداد تالیفات خود آورده اند.

نجاشی نوشته است: «**وحکی جماعة من شیوخ القمیین عن ابن الولیدانه قال محمد بن اورمة طعن علیه بافعلو فکل ما کان فی کتبه مما وجد فی کتب الحسین بن سعید و غیره فقل به وما تفرد به فلا تعتمده**» (۲) نظیر این سخن را شیخ طوسی (۳) نیز از قول صدوق در باره این شخص روایت نموده و گفته است: «**له کتب مثل کتب الحسین بن سعید**». و نیز در باره محمد بن سنان نوشته است **له کتب مثل کتب الحسین بن سعید علی عددھا**» (۴) و در باره محمد بن الحسین الصفار نوشته «**له کتب مثل کتب الحسین بن سعید و زیادة، کتاب بصائر الدرجات و غیره**» (۵) و در باره علی بن مهزیار اهوازی فرموده **له ثلاثة و ثلاثون کتابا مثل کتب الحسین بن سعید و زیادة**، کتاب حروف قرآن و کتاب الانبیاء و کتاب البشارات قال احمد بن ابی عبدالله البرقی ان علی بن مهزیار اخذ مصنفات الحسین بن سعید و زاد

۱ - کتاب کفارات کتاب بشارات کتاب تجمل را شیخ در فهرست نام برده و نجاشی ذکر نکرده ولی در عوض مکاتبه را بکتاب عتق و تدبیر اضافه و کتاب طلاق را که شیخ بانکاح یک کتاب شمرده جدا شمرده ولی کفارات و تجمل کتاب علیحده نیستند و در اعیان الشیعه ج ۲۶ ص ۹۹ اختلاف میان نجاشی و شیخ را بیش از آنچه هست دانسته بنظر اختلاف فقط در نام کتب است کتاب بشارات را نجاشی نیاورده و همچنانکه (کتاب البهار) را هیچکدام نام نبرده اند و در این باره باعیان الشیعه مراجعه شود.

۲ - رجال نجاشی صفحه ۲۵۳

۳ - فهرست طوسی ص ۱۴۳

۴ و ۵ - مرجع سابق

علیها فی ثلاثة كتب منها زیادة كثيرة اضعاف ما للحسين بن سعيد (۱) و باز در باره صفوان بن یحیی آورده « له كتب مثل كتب الحسين بن سعيد » (۲) و در باره موسی بن القاسم بن معاویة بن وهب بجللی گفته است له ثلاثون كتابا مثل كتب الحسين بن سعيد مستوفاة حسنة و زیادة كتاب الجامع » (۳) و در ترجمه یونس بن عبدالرحمن فرموده له كتب كثيرة اكثر من ثلاثين كتابا و قيل انها مثل كتب الحسين بن سعيد و زیادة... و در باره محمد بن علی الصیرفی آورده « له كتب وقيل انها مثل كتب الحسين بن سعيد (۴) و نجاشی در ترجمه علی بن محمد بن جعفر بن عنبسة الحداد العسكري گفته است « **له كتاب الكامل يقال انه في معنى كتب الحسين بن سعيد** (۵). این خصوصیت در باره هیچ کتاب دیگر از كتب حدیث دیده نمیشود علاوه بر این موارد عددهای زیادی از محدثین که از آن جمله صاحب کافی کلینی است کتاب خود را بتقلید حسین بن سعید به سی کتاب مبوب و مرتب نموده اند مانند موسی بن الحسن (۶) و عبدالله بن المغيرة البجلی کوفی (۷) و علی بن حاتم قزوینی (۸) و علی بن الحسن بن فضال (۹) و علی بن حسن الطاطری (۱۰) و الحسن بن محمد بن سماعة (۱۱) و دیگران

اثبات اینکه کتاب حسین بن سعید در نهایت اشتهار و اهمیت و مورد عمل مردم و بلکه از هر کتاب مشهورتر بوده کفایت کند و شاید این ندیم بهمین جهت در باره حسین و برادرش گفته است « اوسع اهل زمانها علی بالفقه و الآثار و المناقب و غیر ذلك من علوم الشيعة .

- ۱ - فهرست طوسی ص ۸۸ نجاشی نیز در رجال ص ۱۹۱ در باره علی بن مهزیار گفته است « و صنف الكتب المشهورة و هي مثل كتب الحسين بن سعيد و زیادة »
- ۲ - فهرست طوسی ص ۸۳
- ۳ - فهرست طوسی ص ۱۶۲
- ۴ - فهرست طوسی ص ۱۴۶
- ۵ - رجال نجاشی ص ۱۹۹
- ۶ - رجال نجاشی ص ۳۱۶
- ۷ - فهرست طوسی ص ۹۸
- ۸ - فهرست طوسی ص ۹۲
- ۹ - مرجع سابق
- ۱۰ - فهرست ص ۵۲